



انترناسیونال ۳۸۳

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۴ دی ۱۳۸۹، ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه

شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام



روز ۲۹ ژانویه قرار است از طرف سازمانها، نهادها و مخالفین جمهوری اسلامی، علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی، در کشورهای مختلف تظاهرات شود. این عکس العمل شایسته ای به موج دستگیری ها، اعدام ها و سرکوب های

صفحه ۳

حمله به "سران فتنه" از وحشت مردم است



کاظم نیکخواه

این روزها جناح حاکم حکومت حملات به جناح مخالف که آنها را سران فتنه میخواند شدت داده است. علیه موسوی و کروبی و حتی خاتمی و رفسنجانی بشدت تبلیغ میشود. خامنه ای میگوید این خواص دیگر مرده شده اند. یعنی دیگر امکان بازگشتشان وجود ندارد و جایی در خودی های حکومت ندارند. وزیر اطلاعات میگوید این ها حرفه امنیتی ایجاد کرده اند و آنها را به اسرائیل و آمریکا و نیروهای بیگانه و خارجی وصل میکند. کیهان شریعتی از محاکمه آنها حرف میزند و بعضی سایتهای تند رو تر از اعدام آنها حرف میزنند. مساله چیست؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ جناح حاکم چه هدفی را دنبال میکند؟ جناح مغلوب چه کرده و مشکلاتش چیست؟

هرکس که قدری در این رجزخوانی ها و تهدیدها دقیق شود بلافاصله متوجه وحشتی میشود که پشت این عربده کشی ها خود را پنهان کرده است. کروبی و موسوی و شرکا تهدیدی برای نظام اسلامی نبوده و نیستند. مشغول کاری نیستند. در خانه هایشان محبوسند. چه چیز باعث میشود که از کیهان شریعتمداری تا رجا نیوز تا امام جمعه ها و آخوندهای ریز و درشت وابسته به جناح حاکم، تا جانین راس سپاه پاسدار و بسیج، و در راس همه اینها شخص خامنه ای اینچنین توجه شان را به آنها معطوف کرده اند؟ برایشان شاخ و شانه میکشند و در زندان را نشانشان میدهند؟

پاسخ را باید در فضای ملتتهب جامعه جستجو کرد. در خشم و نفرت و انزجاری که

صفحه ۲

رحیم مشایی و یک سوال اساسی در مورد حجاب

شهلا دانشفر

سوال مهمی را مقابل خود و این رژیم میگنارد و می پرسد: "هم اکنون اگر قانونی بود که حجاب الزام ندارد، چند درصد خانم ها با

رحیم مشایی رئیس دفتر احمدی نژاد در سخنانی در یک همایش در دانشگاه علم صنعت

صفحه ۲

کمپین برای آزادی کارگران زندانی: به سازمان های کارگری در سراسر جهان

به مناسبت ۲۹ ژانویه

صفحه ۱۱

بیانیه دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام را

امضا کنید

صفحه ۱۱

دوقتل تکان دهنده و پرونده ای که بسته نمیشود!

مینا احدی، صفحه ۱۲

صدایی آشنا از درون غزه

کاظم نیکخواه، صفحه ۸

صفحات دیگر

تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در کابل

شهلا دانشفر، صفحه ۱۱

فراخوان کارگران کیان نایر به تجمع در مقابل وزارت صنایع

کارگران لوله سازی اهواز، ۲۰ ماه دستمزد نگرفته اند!

مردم سندج علیه اعدام، در دفاع از زندانیان سیاسی

صفحه ۹

حکم دادگاه رژیم اسلامی برای شیوا نظر آهاری. تبعید، زندان و شکنجه

حکم اعدام زهرا بهرامی صادر شد، صفحه ۸

پیام مینا احدی به مناسبت ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدامها در ایران



اخبار تکان دهنده محکومیت سنگین فعالین سیاسی و مدافعین حقوق انسانی به زندانهای طویل المدت و تبعید و یا محکومیت به

دوستان گرامی، مخالفین اعدام، منزجرین از حکومت جنایتکار اسلامی

روزی نیست که خبر مرگ

عزیزی را نشنوم، روزی نیست که

صفحه ۳

شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی

روز اعتراض به اعدام در ایران

کمیته بین المللی علیه اعدام، صفحه ۳

بازتاب هفته

حسرت و وحشت در سخنان موسوی و خاتمی

بهرروز مهرآبادی

عقب نشینی از اجرای طرح حذف سوبسیدها؟

ناصر اصغری

بازگشت مقتدا صدر در فضای سیاسی عراق

محمد شکوهی

گزارشی از تظاهرات در برلین، ۹ ژانویه ۲۰۱۱

فرزانه رخشان

خیزش و اعتراض توده ای در تونس و الجزایر

بهرروز مهرآبادی

صفحات ۵-۴

حمله به "سران فتنه" از ...

دارد همه جا حضور و وجود خود را بیان میکنند. حکومت اسلامی، حکومت بعد از خیزش انقلابی ۸۸ است. دیده است که مردم میتوانند به هر بهانه ای و در هر شکافی به خیابان بریزند و میلیونی شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی سر دهند. دیده است که آماده باش و مانور چند هزار بسیج و جانی و قمه کش، برای ساکت کردن مردم خشمگین بهیچ وجه کافی نیست. دیده است که همان مردم علیرغم اینکه رهبری مستقیم انقلابی و سرنگونی طلبی نداشتند این حکومت را تا لبه سقوط قطعی عقب راندند. همه اینها را دیده اند و بر خود لرزیده اند و اکنون نیز کابوس انقلاب و خیزش دوباره مردم رهایشان نمیکند.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی به بن بست رسیده است. هر دو جناحش این بن بست را می بینند. جناح حاکم و سرانش مدام در وحشت خیزش دوباره مردم بسر میبرند. این یورش و رجز خوانی علیه سران فتنه در عین حال همراه

از صفحه ۱

است با شدت دادن به اعدام ها، دستگیری ها، و احکام سنگین زندان برای کارگران و زندانیان سیاسی. جمهوری اسلامی میخواهد با حمله به سران جناح موسوی و کروبی و رفسنجانی آنها را با خود علیه مردم همراه کند یا آنها را بطور کامل در هم بکوبد و از نظر خود صفوفش را در برابر مردم یک دست کند. گناه کروبی و موسوی این است که تلاش کردند جمهوری اسلامی را نجات دهند. تلاش کردند اوضاع را به دوره خمینی برگردانند و خامنه ای احمدی نژاد و سپاه پاسداران را مضر به حال نظام اسلامی میدانند و فکر میکنند اگر احکام اسلامی بخوبی پیاده شود، سنتهای خمینی به طور کامل اجرا شود و یکه تازی جناح احمدی نژاد متوقف شود، حکومت مثل دوره خمینی یک دست میشود و میتواند جلوی مردم بایستد. یعنی اینها مشکلمان مشکل حکومت اسلامی است. سر سوزنی با مردم همراه نیستند. این تمام ماجراست. در واقع حکومت و در راس آن خامنه ای و سپاه پاسداران از وحشت مردم

است که به جان سران جناح مغلوب افتاده اند. جواب موسوی و کروبی و شرکا هم اینست که ما ساکتیم اما حکومت دارد از دست می رود. انقلاب دوباره در راه است. و شما حاکمین هم کاری نمیتوانید بکنید. حقیقت اینست که هردو میدانند که کاری نمیتوانند بکنند. اگر خامنه ای و جناح راست بخواید به قول خودش سران فتنه را دستگیر و زندانی کند میدانند که مردم همین را بهانه ای میکنند که دوباره بیرون بریزند و علیه کل حکومت فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی در سراسر ایران سر بدهند. تازه مگر مشکل سران فتنه هستند؟ مگر مجلس و دولت احمدی نژاد مدام با هم دعوا ندارند؟ مگر در خود دولت احمدی نژاد مجبور نیست هرروز این وزیر و یک سری معاونانش از بیرون بیندازد و افراد تازه ای را بکار بگیرد؟ و خامنه ای مجبور است هرروز ریش گرو بگذارد که اینها همدیگر را گاز بگیرند؟ و خود خامنه ای هم اکنون به قول یک مفسر به سرلشکر بدون لشکر تبدیل شده است. از آن طرف جناح مغلوب هم میدانند که اگر به این فضای اعتراض دامن بزنند کل

نظامش از هم میپاشد. اینها هم از مردم بیشتر وحشت دارند تا از خامنه ای و احمدی نژاد. سال گذشته هم این را نشان دادند. در یک کلام تصویر سیاسی جامعه ایران بدینگونه است میلیونها مردم خشمگین از کل حکومت که یک بار میلیونی به خیابان آمده اند و قدرت خود را دیده اند و ضعفهای خود را نیز کمابیش متوجه شده اند، و یک حکومت بشدت جنایتکار و بیرحم اما عمیقاً شکاف برداشته و در هم ریخته و نامتحد. با کمی دقت در وضعیت صفوف حکومت میشود این را دید که دیگر اختلافات حکومت را با جناح های مختلف هم نمیشود دقیقاً توضیح داد. یک بلبشو تمام عیار است که نیاز به بحث جداگانه ای دارد. بهرور اگر این درهم ریختگی را با انزوای بین المللی بی سابقه حکومت و از هم پاشیدگی لاعلاج اقتصادی نیز اضافه کنیم بروشنی خواهیم دید که جمهوری اسلامی زمین گیر شده است. کل عریده کشی و رجزخوانی علیه جناح دوم خردادی و "سران فتنه" و ناتوانی کامل از عملی کردن به این رجز خواتینها را باید بر این اساس دید.

ما مردم باید همین واقعیت یعنی بن بست همه جانبه حاکمین را ببینیم. باید در هم ریختگی صفوف حکومت را علیرغم جنایت ها و اعدامها و تهدیدها ببینیم. باید بدانیم که اینها به دلیل خشم ماست که بهم ریخته اند. و باید ببینیم و بدانیم که ما قدرت بیا خاستن را داریم. و این بار باید خود را آماده کنیم که با شعار زندگی انسانی حق مسلم ماست و مرگ بر جمهوری اسلامی کل بساط جنایت و کشتار و چپاول اسلامی را به زیاله دان بیندازیم. این را هم همینقدر اشاره کنم که این مهم است که رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی به دوران سرنوشت سازی که جامعه در آن درگیر است عمیق تر فکر کنند و صفی را تقویت کنند که میخواهد یک بار برای همیشه به دوران ستم و سرکوب و فقر و بی حقوقی پایان دهد. خیزش بعدی مردم تنها با افق روشن و رادیکال و سوسیالیستی باید صورت گیرد و در واقع به این شرط میتوان شاهد تداوم انقلابی بود که انسانی و تحول بخش باشد و بشود نام آنرا انقلاب گذارد. *

رحیم مشایی و یک سوال ...

از صفحه ۱

حجاب بودند؟ منظور همین روسری است. "او با این تصویر که بدون اجبار زنان حجاب را دور خواهند انداخت سخنان خود را ادامه میدهد و میگوید: "چرا هزاران منبر نصیحت و خطابه تأثیر لازم را نداشته است؟ البته بی تأثیر نیست، کجای کار ما اشکال دارد؟" مشایی نمیتواند جواب واقعی این سوال را بدهد اما جوابش در یک جمله اینست که کار شما اشکال آنجاست که میخواهید به یک جامعه امروزی و مدرن، قوانین پوسیده توحش را تحمیل کنید.

مشایی و سران مترجم این رژیم هرچه هم که عقب مانده باشند میدانند و طی این سالها دیده اند که اشکال آنها اینست که میخواهند قوانین ارتجاعی اسلامی، هزار سال پیش را در جامعه ای پیاده کنند که مدرن است، آزادخواه است، تبعیض نمیخواهد و برای آزادی و برابری مبارزه میکنند. در جامعه ای که



شاهلا دانشفر

جنبش آزادی زن هر روز قدرتمند به جلو می آید و در همان آغاز به حاکمیت رسیدن این حکومت و اعلام اجباری بودن حجاب، زنان و مردان آزادخواه ایران جوابشان را در هشت مارس با شکوه سال ۵۸ با شعار آزادی، برابری، حق مسلم ماست، دادند. اینها نمی فهمند که اتفاقاً اشکالشان همان منبر ها و خطابه هایست که رفته اند و فاطمه را با حجاب و فرمانبرداریش، سمبل زن قرار داده اند. اما جامعه جانانه در برابرشان ایستاد و هشت مارس را روز جهانی خود اعلام کرد و ندا آقا سلطان، زن جوانی که در تظاهراتهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای شرکت کرد و به گلوله بسته شد، دختر جوانی که آزادی را برای همگان

طلب میکرد سمبل جنبش انقلابی مردم شد.

مشایی دارد به صراحت اعتراف میکند که با وجود به راه انداختن انواع طرحهای عفاف و حجاب، علیرغم دستگیری ها و تعرضات جنایتکارانه هر روزه شان بر زنان و بر جوانان، اکنون حجاب برگیران به یک جنبش قوی در جامعه و یک عرصه مهم چالش این رژیم تبدیل شده است. و امروز این رژیم همانطور که از فتنه اقتصادی فغانش بلند شده است، چنین درمانده و مفلوک از ابعاد اجتماعی جنبش آزادی زن و حجاب برگیران سخن میگوید. حرفهای مشایی تازه نیست، این زبونی را بارها و بارها در خطبه های نماز جمعه و در دیدارهای کمیسیونهای مجلسشان با سران نیروی انتظامی و جمع کردن مقامات گوناگون مملکتی برای چاره اندیشی بر سر این موضوع شاهد بوده ایم. مشایی راست میگوید، اگر این چماق سرکوب روی سر مردم نبود، طبعاً ایران کشوری بود بسیار جلوتر

از بسیاری از کشورهای پیشرفته امروز جهانی. چون مردم ایران تجربه سی سال جلال بر سر آزادی و زندگی انسانی با این حکومت را دارند. چون طی تمام این سالها ما با عروج جنبشی چپ و رادیکال بر سر اعتراضات مردم رویرویم. این را سران حکومت بویژه در اعتراضات گسترده همین یکسال اخیر و قرار گرفتن زنان در صف جلوی اعتراضات و حجاب سوزی های چهارشنبه سوری و هشت مارس در تهران و سندانج دیدند. آری پاسخ

جناب مشایی اینست که اشکال شما، وجود این بساط آپارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی شماسست که همچون غده ای سرطانی باید نه تنها از پیکر جامعه ایران، بلکه از پیکر کل جهان، جراحی شده و به زیاله دان تاریخ سپرده شود. راهی در مقابل شما قرار ندارد. جمهوری اسلامی باید برود این خواست مردم است. وجود این حکومت اشکال اساسی کار است. مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند. تبعیض و نابرابری نمیخواهند. *

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا اینتل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با

یابک بوزی (کانادا - آمریکا) : تلفن : ۰۱-۶۱۶-۷۵۸۳۹۶

ایمیل : babakyazdi@yahoo.com

زوی اصلی (غرب کانادا - ونکوور) تلفن : ۰۱-۶۰۷-۷۷۷-۸۸۶۶

ایمیل : zariast@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم : تلفن : ۰۰۴۹-۰۷۳۲۳۹۱۷۰

ایمیل : nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان) : تلفن : ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۴۴۲۲

ایمیل : jallili@yahoo.com

مهن کوشا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۰۵۶۹

ایمیل : mahinkusha@t-online.de

کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی روز اعتراض به اعدام در ایران



اعدام ها باید فوراً متوقف شود و مجازات اعدام لغو گردد
زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط از زندان آزاد شوند
کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۱۱ ژانویه ۲۰۱۱، ۲۱ دیماه

آوریم.
کمیته بین المللی علیه اعدام، با تمام توان خود در این تظاهرات ها شرکت میکند و به سهم خود تلاش میکند که تظاهرات ها هرچه وسیعتر و در تعداد هرچه بیشتری از شهرها با هماهنگی سایر جریانات اپوزیسیون برگزار شود. ما همه مخالفین جمهوری اسلامی، کلیه سازمانها و نهادهای مخالف اعدام و تمامی مردم آزادخواه را فرامیخوانیم که روز شنبه ۲۹ ژانویه در تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی، در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام ها شرکت کنند، تظاهرات سازمان دهند و تلاش کنند که روز ۲۹ ژانویه به روز بزرگی در مبارزه علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی تبدیل شود.

اپوزیسیون جمهوری اسلامی و تمام مخالفین این حکومت، با تمام قوا به میدان بیایند و از زندانیان سیاسی دفاع کنند، به اعدام ها اعتراض کنند و مانع جنایت بیشتر توسط حکومت اسلامی شوند.
روز شنبه ۲۹ ژانویه قرار است در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا مراکز شهرها در سراسر جهان، علیه اعدام ها و در دفاع از زندانیان سیاسی، تظاهرات، راهپیمائی و میتینگ هائی برپا شود. تلاش کنیم که این روز هرچه سراسری تر و قدرتمندتر برگزار شود و افکار عمومی جهانی را هرچه بیشتر علیه جمهوری اسلامی به حرکت در

و بیحقوقی و تحقیر کارد به استخوانشان رسیده است، به سرکوب و جنایت بیشتری روی آورده و دستگاه قضایی حکومت مفتخر است که بیش از قبل چوبه های دار برپا کرده و در طول دو هفته گذشته دهها نفر را اعدام کرده است.
قدرتمند و یکپارچه به دفاع از زندانیان سیاسی و مقابله با اعدامها برخیزیم و حکومت اسلامی را از طرح ها و نقشه های جنایتکارانه اش پیشمان کنیم. این در توان ما هست اگر تمام ظرفیت مان را بکار گیریم و یکپارچه در مقابلش بایستیم. مردم ایران و ایرانیان مقیم خارج، به حق انتظار دارند جریانات مختلف

مردم آزاده، مخالفین حکومت سرکوب و اعدام اعدام های گسترده در زندانهای جمهوری اسلامی، اعدام فعالین سیاسی، دستگیری های هرروزه و محکومیت های سنگین فعالین سیاسی، فعالین کارگری، دانشجویان معترض، فعالین دفاع از حقوق زنان و وکلای زندانیان، باید با یک عکس العمل گسترده و متحدانه بین المللی پاسخ بگیرد.
جمهوری اسلامی در وحشت از خیزش مجدد مردم، مردمی که بخاطر فقر، گرانی، بیکاری، سرکوب

از صفحه ۱

شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی ...

جمهوری اسلامی داشته باشد و این حکومت را تحت فشارهای سنگینی قرار دهد. حزب به سهم خود و قاطعانه برای بسیج جهانیان علیه رژیم اسلامی تلاش میکند.
حزب کمونیست کارگری با تمام توان در تظاهرات های روز ۲۹ ژانویه شرکت میکند و کلیه مخالفین جمهوری اسلامی را به شرکت هرچه گسترده تر در میتینگ ها و تظاهرات هائی که در این روز توسط احزاب و جریانات مخالف رژیم در کشورها و شهرهای مختلف برگزار میشود فرامیخواند. امیدواریم کلیه احزاب، نهادها و سازمانهای مخالف جمهوری اسلامی قاطعانه به این حرکت بپیوندند و به انتظار بحق مردم به ستوه آمده و زندانیان سیاسی برای يك حرکت بزرگ و سراسری پاسخ دهند و زمینه را برای حرکات بزرگ دیگر بیشتر فراهم کنند.
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
مجازات اعدام ملغی باید گردد
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

است که دولتهای غربی و همه دولتها به این حکومت آوانس میدهند و در نهادهای بین المللی به اینها تریبون داده و سیاست مماشات را با حکومت جنایت و سنگسار اسلامی به پیش میبرند.
به این سناریوی مماشات دولتهای غربی و نهادهای بین المللی با حکومت جنایت و چوبه دار اسلامی باید پایان داد. و این امکانپذیر است اگر همه احزاب و گروهها و فعالین سرنگونی طلب و مترقی، همه نهادهای علیه اعدام و همه مدافعین آزادی زندانیان سیاسی در مقابل جمهوری اسلامی دست به دست هم بدهند.
۲۹ ژانویه از سوی نهادهای متعددی روز اعتراض جهانی علیه اعدامها و روز دفاع از زندانیان سیاسی اعلام شده است، از همه دعوت میکنم از این فرصت استفاده کرده و هر آنچه در توان دارند، بکار گیرند تا دنیا را بر سر حکومت جلاخان اسلامی خراب کنیم. برای نجات جان محکومین به اعدام و برای آزادی همه زندانیان سیاسی باید يك صف انسانی وسیع و جهانی به میدان بیایید.
زنده باد جنبش علیه اعدام
زنده باد همستگی مبارزاتی مردم در دفاع از زندانیان سیاسی
مینا احدی
سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ ژانویه ۲۰۱۱
شماره تلفن تماس:
00491775692413
minaahadi@aol.com

از صفحه ۱

پیام مینا احدی ...

در دفاع از زندانیان سیاسی، بر علیه اعدام و سنگسار نشان داده است که فشارهای بین المللی و کمپین های جهانی میتوانند حکومت اسلامی را به موقعیت فلاکت و درماندگی کشانده و در عین حال جان تعداد زیادی را نجات دهد.
اکنون و بعد از يك کمپین گسترده جهانی علیه حکم سنگسار سکینه محملى آشتیانی که در متن اوضاع سیاسی و خیزش توده ای مردم ایران علیه جمهوری اسلامی اتفاق افتاد و دنیا را متوجه سببیت و وحشیگری يك حکومت و سپاهچالهای قرون وسطایی آن کرد، ما باید از این امکانات بیشترین استفاده را برای جلب توجه افکار عمومی بین المللی به موقعیت زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام در ایران بکنیم. باید بگوئیم به دنیا نشان دهیم که در ایران صدها نفر در زندانهای این حکومت، محکوم به مرگ تدریجی شده و تعدادی از آنها زیر فشار شکنجه و بی حرمتی و رفتار ظالمانه در زندانها در این سالها دست به خودکشی زده و یا در زندانها توسط مزدوران حکومت به قتل رسیده اند. باید به دنیا بگوئیم که در ایران به راحتی آب خوردن حکم اعدام صادر میکنند و با لبخندی بر لب، با حضور "قضات" آدمکش اسلامی، در نهایت خونسردی جوانان را به دار میکشند و سپس دستهای خونین خود را شسته و در نهادهای بین المللی ژست حکومت و نمایندگان عادی يك کشور را به خود میگیرند. سی سال

شلاق و شکنجه را نشنومیم.
حکومت اسلامی ایران از وحشت خیزش عمومی مردم علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی و خفقان، تاکتیک شدت بخشیدن به کشتار مخالفین و صادر کردن احکام سنگین علیه زندانیان سیاسی و دستگیریهای وسیع را انتخاب کرده است و این حکومت جز سرکوب، چوبه دار و جنایت، چه چیزی در دفاع از خود دارد.
برپایی چوبه های دار در زندانهای سراسر کشور، اعدام فعالین سیاسی و محکومیت به اعدام تعداد زیادی به بهانه های پوچ و واهی، دستگیریهای هر روزه، بخشی از عملکرد "فعال" قوه قضاییه، و دیگر دستگاههای سرکوب حکومت اسلامی در هفته های اخیر بوده است. این حکومت با اعدام و سنگسار و شلاق، تجاوز و شکنجه و کهریزک سر پا مانده است و باید ما همه معترضین و مخالفین حکومت اسلامی، دست به دست هم داده و به این موج وحشیانه و بیشرمانه تعرض به حقوق ابتدایی مردم در ایران اعتراض کنیم.
زندانیان سیاسی در ایران اکنون در بدترین شرایط در زندانهایی که یادآور قرون وسطی هستند، با حکومتی به غایت فاشیست و ضد انسانی اسلامی دست و پنجه نرم میکنند. اکنون در زندانها صحبت از کشتارهای بیشتری در میان است. ما نباید بگذاریم حکومت اسلامی چنین فضایی وحشتی را ایجاد کرده و به اعدام فعالین سیاسی دست بزند.
تجربه فعالیتهای چند سال اخیر

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

بازتاب هفته

حسرت و وحشت در سخنان موسوی و خاتمی



بهروز مهر آبادی

بیاید به روزهای خوش گذشته برگردیم. این پیام اصلاح طلبان جمهوری اسلامی به اصول گرایان در قدرت است. میرحسین موسوی در مصاحبه با سایت کلمه پیامی که در اطلاعیه شماره ۱۷ خود داده را تکرار کرد و به عواقب ادامه کشمکش بین باند های قدرت هشدار داد. موسوی گفت: "شما امثال بنده را نادیده بگیرید و خودتان بی اعتنا به ما زندانی ها را آزاد و اعلام کنید که پایبند به همه اصول قانون اساسی هستید و رسانه ها را آزاد کنید، انتخابات آزاد غیرگزینشی داشته باشید. خواهید دید افق روشن خواهد شد. اگر نه سرکوب، سطح مطالبات را بالا خواهد برد. این نوع تبلیغات دروغ و ناشیانه که همزمان با ادامه سرکوب و دستگیری ها انجام می گیرد جز آنکه مردم را روز به روز بیشتر از اصلاح در چهارچوب قانون اساسی مایوس سازد فایده ای نخواهد داشت." از همین جملات روشن است که معضل موسوی با معضل خامنه ای و شرکا یکی است. معضل زیر سوال رفتن و لبه پرتگاه قرار گرفتن جدی جمهوری اسلامی است. موسوی بار دیگر ضمن اعلام وفاداری خود به قانون اساسی، به بی اعتنائی مردم به آن اشاره می کند، وحشت خود را از بالا رفتن سطح توقع مردم اعلام می کند و به طرف مقابل در این باره هشدار می دهد. آزادی زندانیان سیاسی نمونه ای از سطح توقع و خواسته مردم است که حتی موسوی که بیشترین تعداد زندانیان سیاسی در زمان حکومت او در زندانهای ایران وجود داشت، ناچار است آنرا تکرار کند. اما این را ما دیده ایم که این جماعت وقتی از آزادی زندانیان سیاسی حرف میزنند

منظورشان خودی هاست. منظورشان آنهاست که به نظام اسلامی و قانون اساسی ضد انسانی اش گردن گذاشته اند. او به برگزاری انتخابات آزاد و غیرگزینشی اشاره می کند. اینجا هم منظورشان روشن است. انتخابات آزاد بین کسانی که به نظام اسلامی سوگند یاد میکنند و مثل او به این نظام و سنت خیسینی و کل ارتجاع سی ساله پایبندند. غیر از این چیز دیگری را تاکنون نخواسته است و نگفته است. موسوی در ادامه سخنان خود می گوید: "نباید خاطره بحث ها و گفتگو های صمیمانه روزهای انتخابات را از یاد برد." ایشان حق دارد. این خاطره نباید فراموش شود، روزهایی که در مناظرات تلویزیونی و جدل های انتخاباتی رقابتی پته یکدیگر را روی آب ریختند، دزدی ها و جنایات طرف مقابل را فاش کردند و برای یکدیگر خط و نشان کشیدند. اما بطور یقین منظور آقای موسوی روزهایی است که مردم هنوز به خیابان نریخته بودند تا با فرصت بدست آمده از ترک های ایجاد شده در رژیم، انزجار خود را به حکومت اسلامی نشان دهند. ترک هایی که میرحسین موسوی در پی ترمیم آن است و در مصاحبه خود نسخه زیستن مسالمت آمیز در کنار یکدیگر را برای باندهای مختلف نظام می پیچد. هراس بخاطر افتادن نظام را محمد خاتمی رئیس جمهور سابق اسلامی نیز در گفتگویی که روز ۲۰ دی با گروهی از اسلاميون دانشگاه داشته بیان می کند. اینکه کسانی که به اصل نظام اعتقاد دارند به دامن کسانی بیفتند که اصل را قبول ندارند. خاتمی به باند حاکم اطمینان خاطر می دهد: "دعوا بر سر قدرت نیست... نگرانی از این است که خدای نکرده این نظام و انقلاب لطمه بخورد." او در سخنان خود به بخش عظیمی از نیروی جوان و معترض جامعه اشاره می کند و آرزوی خود را که آنها در کنار اصل نظام و انقلاب و راه امام باقی بمانند. در سخنان موسوی و خاتمی وحشت از سرنگونی نظام، نفرت مردم از قانون اساسی، پراکندگی و شکافهای

درون رژیم و اوجگیری مجدد اعتراضات مردم را می توان شنید. اما آیا آرزوی آنها برای کنار آمدن جناحهای مختلف نظام با یکدیگر و بازگشت به دوران خوشی که اعتراض مردم به اعدام و سنگسار و فقر و استعمار دامنه و شدت دو سال اخیر را نداشت، امکان پذیر است؟*

خیزش و اعتراض توده ای در تونس و الجزایر

بهروز مهر آبادی

"تونس از خشم میجوشد". این عنوان گزارشی از شهر تونس در یکی از روزنامه های سوئد است. چهارشنبه شب جوانی در شهر تونس با تیراندازی نیروهای پلیس به قتل رسید. بنا به گزارش اتحادیه های کارگری تونس آمار کشته شدگان در شورش های خیابانی در تونس به ۷۰ نفر رسیده است و تاکنون صدها نفر مجروح شده اند. این شورش ها از ۲۶ آذر ماه آغاز شد. محمد بوغزیزی جوان ۲۶ ساله بخاطر حمله پلیس به بساط میوه و سبزی فروشی اش و تخریب و مصادره آن، دست به خودسوزی زد. این جوان فارغ التحصیل دانشگاه بود و بخاطر بیکاری به دستفروشی روی آورده بود. مرگ این جوان جرعه ای برای آغاز تظاهرات های خیابانی در شهرهای مختلف تونس بود که دامنه آن به پایتخت تونس نیز کشیده شد. این تظاهرات ها و شورش ها واکنش مردم در مقابل بیکاری، فقر و فساد مالی است که جامعه تونس را در بر گرفته است. بر اثر فشار مردم و با شدت گرفتن اعتراضات حکومت ناچار به عقب نشینی شد. زین العابدین بن علی که ۲۳ سال است بر تونس حکومت می کند برای آرام کردن اوضاع روز سه شنبه ۲۱ دی دستور آزادی بازداشت شدگان تظاهرات های اخیر و برکناری وزیر معترض به صدها مرکز دولتی و فروشگاههای زنجیره ای حمله کرده، چندین بانک را آتش زده و به مقابله با ماموران پلیس پرداختند. پلیس ضد شورش با گاز اشک آور به مردم حمله کرد و تعدادی در این برخوردها مجروح شدند. از روز چهارشنبه

برای بسیج و رساندن صدای خود استفاده می کنند. اما برخلاف ایران، این اعتراضات در خارج از تونس نتوانسته است انعکاس زیادی بیابد. فقط در روز ۲۰ دی گروهی در همگامی با اعتراضات مردم تونس با مواد آتشزا به سفارت آن کشور در شهر برن سوئیس حمله کردند.

اعتراضات مردم تونس به کشور همسایه الجزایر هم سرایت کرد از روز ۱۵ دی اعتراضات مردم الجزایر آغاز شد که مبنای همانند تونس داشت. فقر، بیکاری و گرانی دلیل اصلی آغاز این اعتراضات شد. درگیری های خیابانی مردم با پلیس تاکنون حداقل دو کشته و بیش از ۴۰۰ نفر زخمی بجای گذاشته است. روز ۱۸ دی شورش های خیابانی ابعاد گسترده ای پیدا کرد و مردم به ساختمانهای دولتی و بانکها حمله کرده و چند مرکز دولتی را به آتش کشیدند. دولت الجزایر در ماهها اخیر اقدام به حذف یارانه از برخی کالاهای اساسی مردم نظیر روغن، شکر و آرد کرده بود که موجب شد قیمت این کالاها به دو برابر افزایش پیدا کند. بدنبال آغاز اعتراضات دولت الجزایر دست به عقب نشینی زد و پس از تشکیل یک جلسه فوق العاده مالیات بر شکر و روغن و آرد را حذف کرد. همچنین به اتحادیه کارفرمایان دستور استخدام ۵۰ هزار جوان دیپلمه را داد.

ارتش در خیابانهای شهرهای بزرگ بویژه شهر تونس مستقر شده و در مقابل مراکز نظیر رادیو تلویزیون سنگر بندی کردند و در پایتخت حکومت نظامی و ممنوعیت عبور و مرور در ساعات شب برقرار گردید.

گزارش های منتشر شده حاکی است که بخش اصلی تظاهر کنندگان را جوانان تشکیل می دهند. شعارها که در روزهای اول تظاهرات ها بر علیه بیکاری و گرانی بود، تبدیل به شعارهای مرگ بر دیکتاتوری و خواست محاکمه رئیس جمهور و اعضای دولت، شده است. دولت تونس تشکیل یک کمیته ویژه برای بررسی فساد در کشور را اعلام کرد و روز پنجشنبه ۲۳ دی نشست اضطراری شورای ملی تونس برای پیدا کردن راه حلی برای بحران عمیقی که کشور را در بر گرفته است، تشکیل شد. دامنه اعتراضات هر روز بیشتر گسترش می یابد و رئیس جمهور و دولت در خطر سرنگونی هستند. به گزارش خبرگزاری ها شعارهای مطرح شده در تظاهرات ها بطور عمده چپ است. یکی از شعارهایی که جوانان تکرار می کنند این است: "برابری، کار، احترام به شرف انسانی". اعتراضات در تونس با جنبش انقلابی سال قبل در ایران مقایسه می شود. گفته می شود که جوانان از ابزار اینترنتی نظیر تویتر و فیس بوک

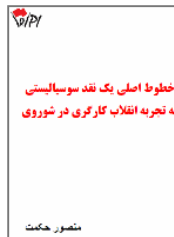
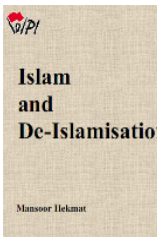
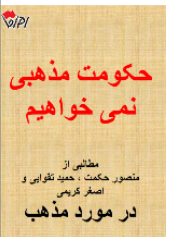
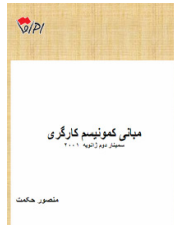
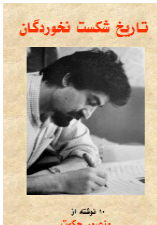
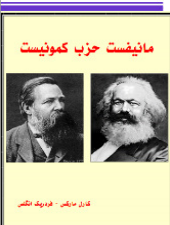
۷ کتاب از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران

برای تهیه این کتابها میتوانید به دبیرخانه تشکیلات خارج کشور حزب و یا واحدهای حزب در کشورهای مختلف مراجعه کنید



این حزب شما است

منصور حکمت



اساس سوسیالیسم انسان است!

جمهوری اسلامی ۱۳ نفر دیگر را هم کشت

در این مدت حسین خضری، زندانی سیاسی را از زندان ارومیه به تهران منتقل کرده اند و مسئولین زندان به خانواده حسین گفته اند برای اجرای حکم اعدام به تهران منتقل شده است. جان زهرا بهرامی در خطر جدی است. رژیم حکم اعدام زهرا را قطعی کرده و هر لحظه امکان اجرای این حکم هست. جان حبیب لطیفی، حبیب گلپری پور، جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی نیز در خطر جدی است.

جمهوری اسلامی برای اعدام و جنایت بیشتر بویژه علیه زندانیان سیاسی نقشه میکشد. باید این توطئه جنایتکارانه را در نطفه خفه کرد. باید دست به حرکات گسترده و مستمر زد و فضائی از اعتراضات بزرگ و رادیکال را علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی در ایران و در خارج کشور شکل داد. عقب راندن حکومت مفلوک اسلامی عملی است. با تمام قوا باید در مقابلش قد علم کرد. کمیته بین المللی علیه اعدام مردم آزادیخواه و مخالفین حکومت اسلامی در سراسر جهان را فرامیخواند در تظاهرات سراسری و جهانی روز شنبه ۲۹ ژانویه با تمام قوا شرکت کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

فلاکت اسلامی است.*

ماشین جنایت حکومت اسلامی هر روز تعدادی را قربانی میکند. اعدام بیش از ۵۰ نفر در سه هفته گذشته در ایران، بیلان کار قوه قضاییه حکومت جنایتکار اسلامی است. روز گذشته حکومت اسلامی ایران اعلام کرد که ۷ نفر را به اتهام نگهداری مواد مخدر و یک جوان را به اتهام تجاوز در زندان اوین اعدام کرده است و امروز ۵ نفر در خرم آباد اعدام شدند. این جنایات در ادامه اعدامهای گسترده در هفته های اخیر در شهرهای مختلف کشور است. جمهوری اسلامی روز ۱۳ آبان ۷ نفر را در کرمانشاه اعدام کرد، ۴ دیماه ۶ نفر و ۷ دی علی صارمی و علی اکبر سیادت را اعدام کرد. روز ۱۱ دی ۴ نفر در سیستان و بلوچستان و همان روز ۸ نفر در قم اعدام شدند. ۱۸ دی ۴ نفر در اصفهان، ۲ نفر در بروجرد و یک نفر در شیروان اعدام شدند. روز ۱۵ دی نیز یک نفر را در ملاء عام در مرکز شهر تهران به دار آویختند، در حالی که مدتها بود اعدام علنی کنار گذاشته شده بود. برخی اخبار نیز حاکی از اعدام مخفیانه ۱۰ نفر در زندان مشهد و ۱۲ نفر در زندان زاهدان است. همچنین اعلام شده است که بزودی در مشهد حکم قطع دست دو نفر اجرا میشود.

آن هم اصرار صدچندان در سرنگون کردن رژیم سرکوب و جنایت و فقر و

نشینی در برابر مردمی است که دائم در حال هول دادنش به لبه پرتگاه هستند؛ و این برای یک چنین رژیمی عاقبت خوبی ندارد. بهر روز هنوز این عقب نشینی بطور رسمی و همه جانبه صورت نگرفته و به گسترش اعتراضات و اعتصابات و ابراز خشم و نفرت توده ای مردم در سراسر ایران بستگی دارد. اما با چشم انداز تیره و تاری که مقابل توده های کارگر و مردم محروم قرار داده اند و با توجه به فضای اعتراضی و خشم آلودی که در جامعه حاکم است، تردیدی در رسیدن به چنین فازی وجود ندارد. در جای دیگری هم گفته ام که این رژیم در یک آچمی گیر کرده است که فقط و فقط به آخرین تکیه گاهش که همان سرکوب است، دلخوش کرده است. بیکاری و نداری در این مملکت بیداد می کند. کسی حاضر نیست به این رژیم وام بدهد. هر که پولی برای سرمایه گذاری در آن مملکت داشته باشد، به کشور دیگری برای سرمایه گذاری می برد. کارخانه و کارگاهها یکی پس از دیگری در حال ورشکستگی و بسته شدن هستند. بر طبل توخالی هسته ایش همچنان می کوبد. تحریمهای اقتصادی و نیمه سیاسی غرب دیگر حس ناسیونالیستی کسی را برای دفاع از رژیمی که در حال مرخص شدن است، خدشه دار نمی کند. و مردم همچنان خواهان زندگی انسانی هستند. در یک چنین موقعیتی، تنها و تنها یک راه جلوی مردم قرار دارد و

عراق شرکت داده نشده و آمریکا و متحدین عراقی اش اعلام کردند که این جریان باید خلع سلاح شود، که صدر با آن مخالفت کرد و بر طبل جنگ کوبید. در ادامه چند سال جنگ و عملیات تروریستی بالاخره نیروهای پیروز در عراق موفق شدند جریان مسلح صدر را از نقاط کلیدی بیرون رانده و خود وی در حمایت پاسداران جمهوری اسلامی از عراق فراری داده شد. درخواست تحویل صدر به عراق و محاکمه اش یکی از خواسته های اصلی اید علاری و متحدینش از کنگره ملی عراق و آمریکا بود، که متحقق نشد.

در همین اوضاع و احوال جمهوری اسلامی در دولت عراق به ریاست نوری المالکی و در مذاکره با علاری و جریان وابسته به حکیم، تلاش های گسترده ای را برای وارد کردن جریان صدر به بازی های سیاسی در عراق آغاز کرد که نتیجه آن باز شدن راه این جریان برای شرکت در انتخابات عراق و وارد شدن

بازتاب هفته

عقب نشینی از اجرای طرح حذف سوبسیدها؟



ناصر اصغری

بایات ترین دموکراسی جهان هم طنین اعتراض خیابانی مردم را در پارلمانها می شنود. باید در یک بررسی جداگانه ای کسی برود و موقعیت سیاسی دو دولت بولیوی و الجزایر در برابر مردم علی العموم و همچنین شرط و شروطی که سرمایه گذاران در برابر هیأت حاکمه این کشورها گذاشته اند را بررسی کند. باید رفت و موقعیت آن دو رژیم را در برابر غرب و مشخصا آمریکا و اسرائیل و موش دوانی احتمالی آنها در خاورمیانه، که از مهمترین کانونهای تلافی سیاست در دنیای امروز است را بررسی کرد. منتها یک موضوع که مهمترین موضوع هم است را باید اینجا در نظر گرفت. عقب نشینی دو دولت یاد شده هرچه بوده باشد، با عقب نشینی جمهوری اسلامی در برابر طرحی که هست و نیست خود را به آن آویزان کرده اند متفاوت است. عقب نشینی جمهوری اسلامی، عقب نشینی در برابر مردمی است که میلیونی فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سر داده اند و هم اکنون نیز در خیابانها می خواهند فرصتی دست بدهد که این رژیم را ساقط کنند. بنابراین عقب نشینی جمهوری اسلامی نه می تواند عقب نشینی اقتصادی باشد و نه می تواند یک عقب نشینی تاکتیکی و مقطعی باشد. عقب

در اخبار آمده بود که حکومت اسلامی در فکر عقب نشینی از طرح یارانه هاست و برای این عقب نشینی هم دلایل کمبود پول و غیره آورده اند. قبلا هم احمدی نژاد از "نیمه هدفمند کردن یارانه ها" سخن گفته بود که عبارت گویایی برای معضل جمهوری اسلامی است. همین هفته اخبار حاکی از آن بود که دو دولت بولیوی و الجزایر به دنبال اعتراضات توده ای از ادامه حذف یارانه ها، طرحی مثل طرح "هدفمند کردن یارانه ها" احمدی نژاد، عقب نشسته اند. خود بخود این موضوع مطرح می شود که پس می شود جمهوری اسلامی را هم از عملی کردن این طرح بطور کامل عقب راند. دولتها و قوانین و کارکردشان ارکان زیادی دارند و واضح است که یک رکن اصلی این کارکردها و تنظیم رابطه آنها با حکومت شوندگان اعتراضات خیابانی مردم است. حتی

بازگشت مقتدا صدر در فضای سیاسی عراق



محمد شکوهی

است: که در جریان این تضمینها نمی باشد و طبعاً دیدارهایی با مقامات سیاسی عراقی داشته اند که بر نقش جمهوری اسلامی در "تامین ثبات عراق" تاکید شده است و از این منظر باید بازگشت صدر به عراق را مثبت ارزیابی کرد. جریان تروریست و شیعی صدر از آغاز جنگ آمریکا در عراق، جزو نیروهای مخالف آمریکا و متحدینش بوده و در مدت کوتاهی توانسته بود هزاران نفر تروریست آموزش دیده که بخشا در ایران بوده و در اردوگاههای بسیج و سپاه پاسداران آموزش دیده بودند، وارد جنگ با نیروهای آمریکایی کند. اوایل سال ۲۰۰۴ این جریان اعلام "جهاد برعلیه کفار" داده و در سلسله عملیات های تروریستی هزاران نفر از مردم عراق را به بهانه "حمایت از آمریکا" به قتل رساند. به علت این اقدامات تروریستی جریان صدر و بخشا مخالفت آمریکا، این جریان در پروژه سازماندهی دولت

در خبرها آمده بود که مقتدا صدر رهبر جریان تروریست اسلامی "جیش المهدی عراق" وابسته به جمهوری اسلامی که از چند سال پیش ناچار به ترک عراق شده بود و مخفیانه در قم بود، اخیرا بعد از سفر صالحی به عنوان سرپرست وزارت خارجه رژیم به عراق، و به دنبال مذاکراتش با مقامات عراقی "اجازه یافته" است که به عراق برگردد. در همین رابطه سفیر جمهوری اسلامی در عراق در پاسخ به سوالی در باره بازگشت صدر به عراق و "تضمینهایی" که خامنه ای داده، گفته

جمهوری سوسیالیستی،

جمهوری انسانی است!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی: به سازمان های کارگری در سراسر جهان به مناسبت ۲۹ ژانویه



این اتفاقات شرایط بسیار نگران کننده ای برای فعالین کارگری و کل جامعه ایران فراهم کرده است. در اعتراض به این وضعیت از سوی نهادها و سازمانهای فعال علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی، برای روز ۲۹ ژانویه یک حرکت اعتراضی جهانی فراخوان داده شده است.

از اتحادیه های کارگری در سراسر جهان انتظار داریم که از این حرکت به هر شکل که میتوانند از جمله با شرکت در این تجمعات، سخنرانی و یا ارسال پیام، حمایت کنند و خواهان آزادی کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام شوند.

دوستان عزیز

اعتراضات کارگری تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری را نیز شدت داده است. از جمله به بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک بیست سال حکم زندان و دهسال محرومیت از فعالیت اجتماعی داده شده و دو هفته قبل یعنی ۲۴ دسامبر رضا رخشان رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه دستگیر و زندانی شده است. این در حالی است که منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، غلامرضا غلامحسینی از کارگران سندیکای شرکت واحد هم اکنون در زندانند. جمهوری اسلامی بشدت مشغول پایوش دوزی علیه رهبران و فعالین کارگری است تا مجازات های سنگینی علیه آنها صادر کند.

جمهوری اسلامی در هفته های گذشته، سرکوب، دستگیری و زندان و اعدام فعالین سیاسی را گسترش داده و اگر جلو آن گرفته نشود دست به جنایات بسیار بزرگتری خواهد زد. تنها در ده روز اول سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۶۰ نفر را به جرم های مختلف اعدام کرده، فشار به زندانیان سیاسی را افزایش داده، احکام اعدام زیادی برای آنها صادر کرده، دو زندانی سیاسی را اعدام و احکام سنگینی برای تعدادی از زندانیان سیاسی صادر کرده است. جمهوری اسلامی که تحت عنوان طرح "هدفمند کردن یارانه ها" سیاست تشدید ریاضت اقتصادی و حمله به معیشت کارگران و کل جامعه را به اجرا گذاشته است، از بیم گسترش

کمپین مطلع کنید.
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۱ دی ۸۹، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۱
شهلا دانشفر
00447779898968
بهرام سروش
0044-7852 338334

نهادها، کمیته ها، سازمان ها و احزاب کمونیست و انقلابی، خود را در روز شنبه ۲۹ ژانویه در مراکز شهرهای بزرگ و یا در مقابل سفارت خانه ها و کنسولگری های رژیم اسلامی برگزار شود، شریک و سهیم میداند. حوزه های حزبی و کمیته های کشوری حزب در خارج کشور تلاش میکنند در هماهنگی با سایر نهادها، انجمن ها، سازمان ها و احزاب کمونیست، مترقی و انقلابی، برای برگزاری هرچه باشکوه تر این آکسیون ها اقدامات لازم و ضروری را بعمل آورند.
ما به سهم خود از همه انسانهای انقلابی، نهادهای مدافع کارگران، سازمانها و احزاب چپ و کمونیست انتظار داریم به این اتحاد عمل در دفاع از زندانیان سیاسی بپیوندند.
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
زنده باد سوسیالیزم
کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران
۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

مردم ایران، جنبش کارگری و فعالین کارگری که در شرایطی بسیار دشوار تلاش میکنند کارگران را متشکل کنند و سنگری در مقابل فقر و بیکاری و فلاکت ایجاد کنند، به حمایت شما نیاز عاجل دارند.

از شما درخواست میکنیم که از طریق تلفن های تماس و آدرس های زیر ما را از نحوه شرکت خود در این

چالها زندانی میکنند. اگر در هراس از گسترش جنبش کارگری، فعالین و پیشروان این جنبش را به عنوان اقدامی پیشگیرانه به بند میکشد. اگر قصد دارد با شلاق و شکنجه و زندان زنان مبارز، صدای حق طلبانه و برابری طلبانه آنان را خاموش کند. اگر میخواهد با اعدام فرزندان مبارز مردم رنجیده ایران، چند صباحی به عمر ننگین خود بیفزاید. ضرورت دفاع از زندانیان سیاسی و وادار کردن رژیم به عقب نشینی از این میدان به اتحاد و مبارزه ای مداوم تر و مستمتر نیاز دارد. تنها با مبارزه متحدانه و اعتراض گسترده مردمی میتوان رژیم جنایتکار اسلامی را برای توقف اعدام زندانیان سیاسی تحت فشار قرار داد.
کارگران! زنان و مردان مبارز!
نهاد ها و انجمن های مدافع زندانیان سیاسی! احزاب و سازمان های انقلابی و کمونیست!
تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران، همگام با سایر

ادامه داده است، بلکه همواره مجازات اعدام را بعنوان یک حربه سیاسی علیه مردم معترض و آزادیخواه و مخالفین سیاسی خود بکار گرفته است. این رژیم جنایتکار در ماه های مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان توده های مردم، دست به جنایتی زد که هم اکنون بعد از ۲۲ سال آثار و اسناد آن شاهد زنده ای بر قضاوت و درند خونی مقامات رژیم جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی هستند. در ماه های مرداد و شهریور ۶۷ دستگاه کشتار و جنایت سرمایه داری اسلامی که اصلاح طلبان حکومتی هم بخشی از آن بودند، نزدیک به پنج هزار زندانی سیاسی با گرایشات مختلف را به جوخه های مرگ سپرد.
زنان و مردان مبارز و انقلابی! اگر رژیم، سیاست فشار بر زندانیان سیاسی را به منظور ارعاب توده های مردم در بیرون زندان ها دنبال میکند. اگر در هراس از گسترش اعتراضات مردم به ستوه آمده، فرزندانشان را در سیاه

جمع هایی از کارگران و دوستدارانش، روز ۲۸ آذر به اعتصاب غذای خود خاتمه داد.
جرم رضا شهابی، شرکت در اعتصاب با شکوه کارگران شرکت واحد و تلاش برای ایجاد سندیکای شرکت واحد است. رضا شهابی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند.
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۳ دی ۸۹، ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

بمناسبت آکسیون سراسری روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه علیه اعدام در ایران

زندانیهای قرون وسطائی نگاه داشته است.
رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی سیاست فشار بر زندانیان سیاسی، شکنجه آنان، بلاتکلیف نگهداشتن آنان در زندانها، صدور احکام سنگین و اعدام آنان را به عنوان ابزاری برای ارعاب توده های به ستوه آمده مردم و صدای اعتراض آنان در کارخانهها، کارگاه ها، مدارس و دانشگاه ها و هر جایی که تجمعی از مردم حق طلب برپا باشد، دنبال میکند.
رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که در صدور و اجرای حکم اعدام سرآمد جهان است، نه تنها با اتکا به قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی اسلامی و با این توجیه که مجازات اعدام میتواند "نقش بازدارنده در برابر گسترش جرائم داشته باشد" این جنایت سازمان یافته را

کارگران! زنان و مردان مبارز! نهادها و انجمن های مدافع زندانیان سیاسی! احزاب و سازمانهای انقلابی و کمونیست!
اخبار و گزارشاتی که طی هفته های اخیر به خارج از زندانها رسیده، صدور حکم اعدام برای زندانیان سیاسی و اجرای حکم اعدام در مورد چند نفر از آنان در روزهای اخیر، نشان از آن دارد که اقدامات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی شدت یافته است و بسیاری از آنان در وضعیت دشواری به سر میبرند. همانطور که اطلاع دارید، رژیم در ادامه سیاست بگیر و ببند و سرکوبگرانه خود در ماه های اخیر شمار زیادی از فعالین جنبش کارگری، فعالین جنبش زنان، فعالین جنبش دانشجویی، وکلای مدافع زندانیان سیاسی و فعالین مدنی را بازداشت و در شرایط دشواری در

جانان اسلامی رضا شهابی را در ۲۸ دی محاکمه میکنند

علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام" متهم شده است. رضا شهابی روز ۲۲ خرداد امسال دستگیر و اکنون ۷ ماه است که در زندان است. با اینکه قبلاً برای او وثیقه تعیین کرده بودند، اما او را همچنان در زندان نگاه داشته اند. رضا شهابی در اعتراض به ادامه بازداشتش روز یکشنبه ۲۱ آذر دست به اعتصاب غذا زد اما با تقاضای اعضای سندیکا و نامه های

رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه روز ۲۸ دی ماه محاکمه میشود. مسعود شفیعی، وکیل مدافع رضا شهابی، در گفت و گویی با رادیو فردا، اعلام کرده است که رضا شهابی در روز ۲۸ دیماه در دادگاه جمهوری اسلامی محاکمه خواهد شد. به گفته وی، رضا شهابی به "اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968
بهرام سروش
bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334
برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.
<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

حکم دادگاه تجدید نظر رژیم اسلامی برای شیوا نظر آهاری. تبعید، زندان و شکنجه



شیوا نظرآهاری، فعال حقوق بشر و ویلاگنویس به ۴ سال حبس تعزیری، تبعید به زندان شهر کرج و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. حکم شیوا در ابتدا شش سال حبس تعزیری، تبعید به زندان شهرستان ایزد و ۷۴ ضربه شلاق بود که توسط ابتدا شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به وی ابلاغ شده بود. شیوا در مرداد ماه ۱۳۸۷ در تجمع کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی همراه با خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل سازمان ملل بازداشت شد. پس از مدتی از زندان آزاد گردید و مجدداً در سال گذشته برای دومین بار در روز یکشنبه، ۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۸ توسط نیروهای وزارت اطلاعات در محل کارش بازداشت گردید، منزل شخصی وی مورد یورش و تفتیش نیروهای امنیتی قرار گرفت، وسایل شخصی اش ضبط گردید و روانه زندان شد.

شیوا نظرآهاری که از سال گذشته، بیش از یکسال در زندان بوده است، بیش از ۳ ماه در سلول انفرادی به سر برده است. شیوا از جمله دانشجویان ستاره‌داری است که پس از بازداشت با اتهام "محاربه" مواجه شده بود. رژیم اسلامی نه تنها هر روز و به انحاء مختلف زندانیان را شکنجه و مورد تعرض قرار میدهد بلکه اخیراً با صدور حکم شلاق برای زندانیان سیاسی عملاً و علناً شکنجه را رسمی اعلام میکند. این بیشرمی باید از سوی سازمانها و افراد آزادیخواه و بشر دوست محکوم شود. زندان و اعدام پاسخ جمهوری اسلامی به هر نوع عدالت خواهی در طول بیش از سه دهه بوده است. این حکومت برای هر روز بقای خود از هیچ جنایتی رویگردان نیست و سنگسار، اعدام و شکنجه جزء قوانین رسمی و مهمترین ابزار برای سرپا ماندنش در تمام طول حیاتش بوده اند. افزایش احکام ضد انسانی

تظاهرات در دفاع از زندانیان سیاسی

شنبه ۲۹ ژانویه

نه به زندان و شکنجه و اعدام

جان زندانیان سیاسی در معرض خطر جدی قرار دارد

رژیم اسلامی از هر طریق ممکن و بیش از پیش زندانیان سیاسی و خانواده هایشان را تحت فشار گذاشته است.

جعفر کاظمی، زینب جلالی زاده، زهرا بهرامی، حبیب لطیفی، حسین خضری، محمد علی آقایی، یوسف رشیدی، تنها تعدادی از کسانی هستند که در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند. این لیست ادامه دارد.

تا حال با اعتراض و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدامها توانسته ایم رژیم را وادار به عقب نشینی کنیم و تنها با ادامه این مبارزه است که میتوانیم جان زندانیان سیاسی را نجات دهیم.

روز شنبه ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ در دفاع از زندانیان سیاسی یکصد در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی، مراکز عمومی و میادین شهر تجمع میکنیم و هر چه رساتر صدای زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان میرسانیم و اعلام میکنیم:

احکام اعدام هر چه سریعتر ملغی باید گردد!

زندانیان سیاسی فوری و بدون قید و شرط آزاد باید گردند!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۱ ژانویه ۲۰۱۱ برابر با ۲۲ دیماه ۱۳۸۹

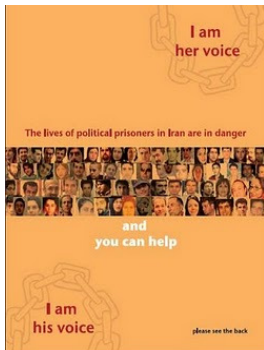
زندان، شکنجه و اعدام علیه فعالین سیاسی و کل جامعه، نه نشانه قدرت بلکه نشانه هراس حکومت از خشم مردمی است که برای زیر کشیدنش در تلاشند.

شیوا اولین قربانی جنایتکاران حاکم بر ایران نیست و آخرین آن هم نخواهد بود. باید در مقابل این توحش اسلامی ایستاد. شیوا و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و احکامی که علیه آنها صادر شده باید ملغی شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از شما مردم آزادیخواه دعوت میکند به احکام صادره علیه شیوا نظر آهاری و کلیه زندانیان سیاسی اعتراض کنید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱۱ ژانویه ۲۰۱۱، ۲۱ دی ۱۳۸۹

کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"



امور خارجه هلند و پارلمان اروپا ارسال میشود لطفا يك کپی از نامه اعتراضی خود را به ما ارسال دارید کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

زندانیان و دستگیر شدگان مبارزات اخیر را در سرلوحه فعالیتهای خود قرار دهید، جمهوری اسلامی با ریختن خون زندانیان سیاسی و ایجاد فضای رعب و وحشت تلاش دارد روحیه آنان را در زندانها بشکند و هم تاثیرات مبارزات مردم در داخل و خارج برای رهایی زندانیان سیاسی را خنثی کند. تلاشهای مذبحخانه رژیم و این پرونده سازی کثیف و ضد بشری باید از جهان متملن پاسخ دندان شکن بگیرد.

با ارسال نامه به وزیر امور خارجه هلند و امضا طومار حمایت از زهرا بهرامی به کمپین نجات جان زهرا پیوندید. زندگی زهرا در خطر است!

برای امضا کردن طومار به سایت کمیته مراجعه کنید

wiranpoliticalprisoners.com

این طومار به یوری زنتال، وزیر



حکم اعدام زهرا بهرامی صادر شد. زهرا هر لحظه ممکن است اعدام شود

زهرا بهرامی ۴۵ ساله، که شهروند هلند نیز میباشد به قصد دیدن فرزندش به ایران رفته بود. چند روز پس از تظاهرات ششم دی (عاشورا) ۱۳۸۸، وی در اتومبیلی همراه با سه نفر دیگر درحال تردد در تهران توسط ماموران وزارت اطلاعات دستگیر شد. ابتدا به زندان اوین، سپس به زندان گوهردشت منتقل شد و پس از مدتی برای بازجویی بیشتر به زندان اوین و به بند مخوف ۲۰۹ منتقل گردید.

مدهای طولانی وی در سلول انفرادی محبوس بود. از ملاقات با خانواده اش محروم گردید و طی مدت بازداشت وی اجازه یافته است صرفاً چند دقیقه با خانواده اش تلفنی صحبت کند. مامورین وزارت اطلاعات به خانواده زهرا فشار آوردند که از هرگونه افشاکبری و اطلاع رسانی به خبرگزاریهای خارجی پرهیز کنند. شکنجه های جسمی و روانی ممتد و فشار روانی در سلول انفرادی، محروم بودن از وکیل و حيله گریهای کثیف بازجویان وزارت اطلاعات او را وادار به اعترافات تلویزیونی علیه خودش کرد.

"اعترافات" زهرا بلافاصله علیه وی بکار گرفته شد. از همان ابتدا خبر احتمال صدور حکم اعدام زهرا در رسانه های هلندی بسرعت پخش شد ویدنیبال اطلاع رسانی و ارسال نامه های متعدد از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و سازمانهای حقوق بشر به وزیر امور خارجه هلند و اتحادیه اروپا، دولت هلند با جمهوری اسلامی در رابطه با پرونده زهرا بهرامی تماس گرفت. در ماه آگوست نمایندگان هلندی ی پارلمان اروپا از مسئول سیاست خارجی پارلمان اروپا خواستند تا در رابطه با وضعیت زهرا بهرامی اقدام شود. این فشارها رژیم و وزارت اطلاعاتش را برآن داشت تا با وارد کردن جرم دیگری در پرونده زهرا دستگیری و حکم وی را توجیه کنند. اینبار اعلام گردید که وی به هنگام بازداشت کواکبین و هروئین به همراه داشته است! این سیاست رژیم بارها برای توجیه اعدام زندانیان سیاسی بکار برده است.

یوری روزنتال وزیر امور خارجه

هلند، اخیراً از سفیر ایران در هلند خواست تا سریعاً سرنوشت زهرا بهرامی را مشخص کرده و به دولت هلند اطلاع دهند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بارها از دولت هلند درخواست کرده ایم که جهت نجات جان زهرا بهرامی اقدامات موثری به عمل بیاورند، زهرا شهروند هلند نیز میباشد و دولت هلند مسئول حفظ سلامتی و جان او میباشد. زهرا در وضعیت جسمی و روانی بسیار درناکی است.

همانطور که قبلاً به اطلاع رساندیم کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با پیگیری و بکار گرفتن همه توان خود برای آزادی زهرا از چنگال خونین این جانپان بکار برده و خواهد گرفت. زهرا درانتظار اقدامات فوری همه ماست.

ما مصرانه از شما مردم آزادیخواه در سراسر جهان میخواهیم که دفاع از

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

صدایی آشنا از درون غزه

کاظم نیکخواه

میخواهد بداند پشت آن چهره های پاپیون و کراوات زده و محترم اروپایی و آمریکایی و آسیایی چه دیوهای قرار دارد، باید به فلسطین نگاه کند. حماس و حزب الله و موساد و فنتیکهای یهودی و فاشیستهای رنگارنگ اسرائیلی و دستجات بیرحم مختلف، روی دوش همان عالیجنابان متمدن اروپا و آمریکا و آسیا نشسته اند و گرنه یک روز هم نمیتوانستند به حیات خود ادامه دهند. میدانم که فوراً همه توجهشان به جمهوری اسلامی که از ترویستهای اسلامی در فلسطین و لبنان بی محابا حمایت میکند جلب میشود. اما خود جمهوری اسلامی محصول چیست؟ از کجا حمایت میشود؟ کدام نیرو آنرا جلو کشیده است؟ چگونه سرکار آمده است؟ در ایران روی دوش کدام نیروی اجتماعی است؟ بحث آن ایده ساده و قدیمی "کار انگلیسهاست" نیست. بورژوازی را میگویم. طبقه سرمایه دار این عصر را. طبقه ای که در غرب و شرق و سرتاسر جهان سلطه خود را گسترانده است و ظاهراً با همه این جنایات و جنگها و تروریستها مخالف است. اما میخواهم بگویم این حقیقت ندارد. این طبقه است که دارد ارتجاع را آبیاری میکند و از گور بیرون میکشد. این طبقه است که آشکارا آدمکش و تروریست می پرورد و هرکدام برای پیشبرد رقابتهایش سگهای درنده خویش را پرورش میدهد و به میدان میفرستد. حماس، حزب الله، موساد و احزاب راست اسرائیل، سپاه پاسدار و یک عالمه دستجات دیگر که در خلل و فرج دنیای امروز دارند بشریت را نابود میکنند، اینها نیروهای فسیل شده و مرده تاریخند که امروز با زور پول و سلاح و پمپاژ تبلیغاتی سرپا نگه داشته شده اند. روی دوش این طبقه زنده اند. روی دوش این طبقه قدرت میگیرند و قدرت دارند. و خود جزئی از این طبقه اند. بدون آنها و امثال آنها در گوشه و کنار جهان، دنیای امروز نمیتوانست کاملاً و اساساً متفاوت باشد.

برگردیم به مانیفست جوانان غزه. بی تردید این مانیفست در عین احساسی بودنش، فریادی است که از

حدود سه هفته پیش گروهی از دانشجویان غزه مانیفستی را در فیس بک منتشر کردند. بنا به گزارش روزنامه ابرور که با آنها در یک اتاق خالی صحبت کرده است، آنها این مانیفست را (که در زیر آمده) منتشر کردند تا به مدت یک سال حول آن تبلیغ شود و نیرو جمع کند و بعد برای ادامه کار تصمیم بگیرند. اما این مانیفست در همان هفته اول که انتشارش را نداشتند و روبرو شد که انتشارش را نداشتند و اکنون در حال بررسی ادامه کار خود هستند.

مانیفست جوانان غزه یک صدای متفاوت از درون فلسطین است. صدایی که از اعماق بر میخیزد. صدایی که بدون هیچ تردیدی میتوان گفت همه جوانان فلسطین حتی اگر خود نگویند حرف دلشان است. حرف دل جوانانی که جنگ نمیخواهند، زندگی پر از ماجرا و خطر و دود و جنگ و نفرت و کینه قومی و مذهبی نمیخواهند. از یک تازی ارتجاع اسلامی به تنگ آمده اند و از جنایتکاری دولت اسرائیل کارد به استخوانشان رسیده است. این مانیفست حرف دل همه پدران و مادرانی است که عمیقاً خشمگینند اما از زندگی کردن در خشم هم عمیقاً بیزارند. پدر و مادری که عزیزانشان جلوی چشمشان هرروزه دارند قربانی میشوند. این مانیفست حرف دل همه فلسطینیان است که تمام عمر در جنگ و دود و خون و کشتار و نفرت قومی زیسته اند و جرات نکرده اند حرفی متفاوت داشته باشند. فلسطین در چهار راه تلاقی تمام ارتجاع قرن بیست و بیست و یکم قرار گرفته است. آینه تمام نمای بیرحمی حاکمین جهان امروز است. آینه تمام نمای محرومیت و بی حقوقی انسان امروز است. آینه تناقضات لاینحل حاکمین امروز است. و این مردم عادی، مردمی با آمال و آرزوهای معمول انسانی اند که دارند در لابلای کشاکشهای بی پایان این نیروها میچاله و نابود میشوند. فلسطین گره گاه نظام حاکم است. اگر کسی

وجود يك جنبش انسانی در زیر دود و آتش و نفرت حکایت میکند. جنبشی که آینده را میسازد. جنبشی که کل نظام حاکم را با تمام نیروهای عظیم تخریبش به مصافی اساسی میطلبد. جنبشی که در همه جا حتی در پشت دیوارهای غزه زنده است و اگر چه صدایش در زیر دود و آتش و دیوارهای عظیم قومی و مذهبی به طور رسا به گوش نرسیده است اما اصالت و ریشه ای عمیق دارد. همانگونه که خود جوانان غزه میگیرند "انقلابی در میان ما در حال شکل گیری است". اگر این مانیفست بخواهد چیزی را بیش از آنچه در سطح نشان میدهد و ژورنالیسم بستر رسمی منعکس میکند یعنی يك مشت جوان خسته و احساساتی تشنه زندگی غربی بیان کند، اینست که این مانیفست زندگی انسانی است. مانیفست قرن بیست و یکم است. مانیفست جنبشی که صدایش از اقصا نقاط جهان از کشورهای اسلام زده و به فلاکت کشیده شده تا کارخانجات و خیابانهای پرتالو غرب از جانب انسان خسته و بی هویت امروز به گوش میرسد. حضورش را میشود لمس کرد. هنوز متشکل نیست. هنوز آرتیکوله و با برنامه روشن نیست. هنوز تصویر روشنی از آینده خویش ندارد. هنوز اسیر توهمات و تبلیغات و مغزشویی هاست. اما وجودش و حضورش هرروز به نحوی و در جایی اعلام میشود. *

مانیفست جوانان غزه

لعنت بر حماس! لعنت بر اسرائیل! لعنت بر الفتح! لعنت بر سازمان ملل! (جهت اطلاع خوانندگان در زبان انگلیسی بجای کلمه لعنت، fuck گفته شده است که معادل فارسیش چندان برای این متن مناسب بنظر نمیرسد- انترناسیونال) لعنت بر آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (UNRWA). لعنت بر آمریکا! ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به حقوق بشر و بی تفاوتی جامعه بین المللی شدت بیزار و خسته شده ایم!

ما می خواهیم فریاد بکشیم و همچون F16های اسرائیل که دیوار صوتی را می شکنند این دیوار

سکوت و بی عدالتی و بی تفاوتی را بشکنیم؛ فریادی با تمام قدرت نهفته در جان هایمان برای رهایی از این سرخوردگی عمیق که به علت زندگی در این وضعیت جهنمی جسم و جان ما را تحلیل می برد...

ما از این که گرفتار این کشاکش سیاسی شده ایم، دیگر حالممان بهم میخورد. حالمان بهم میخورد از شب های تاریک و ظلمات و هواپیماهایی که بر فراز خانه هایمان چرخ می زنند. حالمان بهم میخورد از کشتار کشاورزان بی گناهی که در منطقه بی طرف مورد اصابت گلوله قرار می گیرند زیرا می خواهند از زمین هایشان مراقبت کنند؛ حالمان بهم میخورد از آدم های ریشو که با تفنگ هایشان در خیابان ها گشت می زنند، از قدرت شان سوءاستفاده می کنند و جوانانی را که برای اهداف مورد اعتقادشان تظاهرات می کنند، کتک می زنند و یا به زندان می اندازند؛ حالمان بهم میخورد از دیوار شرم آوری که ما را از سایر قسمت های کشورمان جدا کرده و ما را در قطعه زمینی بس کوچک حبس کرده است؛ از این که ما را تروریست ها و خشک مغزان کوتاه بینی بنامند که در جیب هایمان مواد منفجره و در چشم هایمان شرارت نهفته است، حالمان بهم میخورد؛ از بی تفاوتی جامعه بین المللی نسبت به وضعیت ما حالمان بهم میخورد، از به اصطلاح کارشناسانی که نگرانی ها را بیان می کنند و قطع نامه صادر می کنند اما از عملی کردن هر آنچه که مورد توافق شان است می هراسند؛ ما از این زندگی گند و کثافت، از زندانی شدن توسط اسرائیل، از کتک خوردن توسط حماس و از نادیده گرفته شدن کامل توسط سایر قسمت های جهان، داریم بالا می آوریم.

انقلابی در درون ما در حال رشد و نشو و نماست، نارضایتی و سرخوردگی عظیمی که ما را نابود می کند مگر آن که راهی برای هدایت این انرژی عظیم به سوی چیزی پیدا کنیم که بتواند وضع موجود را به چالش بکشد و نوعی

امید در دل های ما بدمد. ما به زحمت حمله اخیر اسرائیل به غزه را تاب آوردیم، حمله ای که طی آن اسرائیل ما را سخت درهم کوبید و خرد و خمیر کرد و هزاران خانه و حتی باید بگویم شمار بیشتری زندگی و آرزو را نابود نمود. در جریان این جنگ، ما بدون اینکه ذره ای اشتباه کنیم به این احساس رسیدیم که اسرائیل می خواست ما را از صفحه جهان محو کند. در سال های اخیر، حماس هر کاری خواسته است کرده تا بتواند اندیشه ها، رفتار و انتظارات ما را کنترل کند. ما اینجا در غزه نگران آنیم که به زندان بیفتیم، بازجویی شویم، کتک بخوریم، شکنجه شویم، بمب بر سرمان بریزد و کشته شویم. ما می ترسیم زندگی کنیم، زیرا برای هر قدمی که در هر مورد برمی داریم باید کلی فکر کنیم که نکند برایمان عواقب ناگواری داشته باشد. همه با محدودیت رویه روییم. نمی توانیم آن طور که می خواهیم عمل کنیم، آن طور که می خواهیم حرف بزنیم، نمی توانیم کاری را که دوست داریم بکنیم، گاه حتی نمی توانیم آن طور که می فکر کنیم زیرا اشغال سرزمین با چنان شدتی ما را در چنگال خود فشرده که مغزها و قلب هایمان را به درد آورده و ما را واداشته که خود را به دریای اشک حرمان و خشم بسپاریم!

دیگر بس است! بس است درد، بس است اشک، بس است رنج، بس است کنترل، محدودیت، توجیه های ناموجه، ترور، شکنجه، بهانه، بمباران، شب های بی خوابی، غیرنظامیان مرده، خاطرات سیاه، آینده یاس آور، حال دردناک، سیاست آشفته، سیاستمداران خشک مغز، مزخرفات مذهبی، بس است زندان! ما می گوئیم بس کنید! این آینده ای نیست که ما می خواهیم! ما سه چیز می خواهیم. می خواهیم آزاد باشیم. می خواهیم زندگی معمول داشته باشیم. می خواهیم در صلح زندگی کنیم. آیا مطالبه این ها چیز زیادی است؟



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Workers' Communist Party of Iran
www.wcpi.org

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

مردم سندج علیه اعدام، در دفاع از زندانیان سیاسی زنده باد مردم سندج

۱۲ ژانویه ۲۰۱۱

متن طومار را اینجا ملاحظه میکنید:

طومار حمایت از کمیتهین تلاش برای نجات جان حبیب گلپری پور از اعدام، از طرف کارگران و شهروندان شهر سندج
انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران
اعلام پشتیبانی از کمیتهین تلاش برای نجات جان حبیب گل پری پور از اعدام، از طرف کارگران و شهروندان شهر سندج

طبق گزارشی که "انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران" منتشر کرده است، تعدادی از کارگران و مردم سندج با امضای طوماری حمایت خود را از کمیتهین نجات حبیب گلپری پور اعلام کردند و خواهان لغو حکم اعدام حبیب گلپری پور و سایر زندانیان سیاسی شدند. در یک ماه گذشته مردم سندج یکبار با تحرك چشمگیرشان جلو اعدام حبیب لطیفی را گرفتند و امروز در دفاع از حبیب گلپری پور و زندانیان سیاسی به میدان آمده اند. زنده باد مردم آزادیخواه سندج.
کمیته بین المللی علیه اعدام

ما امضا کننده گان این طومار پشتیبانی خود را از کمیتهین تلاش برای نجات جان حبیب گلپری پور اعلام میکنیم و خواهان لغو فوری حکم اعدام حبیب گلپری پور و سایر زندانیان هستیم.
امضای طومار درو اعلام حمایت در شهرسندج و دیگر شهرهای کردستان ادامه دارد به محض دریافت اسامی دیگر امضا کننده گان برای اطلاع عمومی منتشر میشود.
تهیه گزارش توسط انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران
این طومار تا کنون ۱۷۹ امضا دارد.

اخباری از اعتراضات کارگری علیه دستمزدهای پرداخت نشده

۹ ماه دستمزد معوقه و با خواست راه اندازی مجدد شرکت دست به تجمع زدند.
مجتمع گوشت استان فارس یکی از قدیمیترین مجتمع های گوشت است که بیش از ۴۰۰ کارگر در آن به کار اشتغال داشتند. این کارگران علیرغم ۲۰ تا ۲۶ سال سابقه کار از مزایای بازنشستگی برخوردار نشده اند. اکنون شرکت به حال تعطیل درآمده و همه این کارگران در وضعیت معیشتی دشواری قرار گرفته اند.

کارگران لوله سازی البرز دست به اعتصاب زدند

روز ۱۲ دی کارگران لوله سازی البرز واقع در جاده قدیم کرج، داخل کفش ملی سابق، در اعتراض به ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خود دست از کار کشیده و در مقابل درب دفتر مدیریت تجمع کردند. این اعتراضات ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران قند بردسیر گرمان

کارگران پارس متال برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند

روز ۱۵ دی ماه کارگران پارس متال در اعتراض به ده ماه دستمزد پرداخت نشده خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران در این شرکت ۱۴۰ کارگر قراردادی از کار اخراج شده اند و به کارگران رسمی نیز دستمزدشان پرداخت نشده است.

تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی خوزستان در اعتراض به ۲۰ ماه حقوق پرداخت نشده

روز دوشنبه ۱۳ دی حدود صد نفر از کارگران لوله سازی خوزستان، در اعتراض به ۲۰ ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل ساختمان حراست این شرکت تجمع کردند. این اعتراضات ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران مجتمع گوشت فارس

روز ۱۳ دی کارگران مجتمع گوشت استان فارس، در اعتراض به

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

میلیون تومان آن بابت پرداخت مطالبات بازنشستگان بعد از سال ۸۲ و دستمزدهای پرداخت نشده کارگران قراردادی و رسمی اختصاص یافته است. طبق خبر طلب کارگران تا پایان مهر سال جاری پرداخت شده است.
مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ دیماه ۱۳۸۹، ۷ ژانویه ۲۰۱۱

روز ۱۲ دی جمعی از کارگران اخراجی کارخانه قند بردسیر در مقابل اداره کار این شهر تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود و بازگشت به کارشان شدند. در رابطه با این موضوع این کارگران بارها بصورت جمعی به اداره کار و فرمانداری بردسیر مراجعه کرده و در مقابل کارخانه تجمعات اعتراضی برپا کرده اند، ولی تا کنون پاسخی نگرفته اند. کارگران میگویند اگر به ما جواب ندهید برای ادامه اعتراض خود به تهران میرویم.

کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت موفق به گرفتن بخشی از طلبهایشان شدند

به گزارش ایلنا ۳۰۰ کارگر شرکت خاور رشت بدنبال اعتراضات مکرر خود موفق شدند بخشی از طلبهایشان را دریافت کنند. بنا بر خبر ۷ میلیارد تومان برای پرداخت مطالبات کارگران و بازسازی شرکت در اختیار این کارخانه قرار گرفته است که تا کنون یک میلیارد و نهصد

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact: Spokesperson:
minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



اف ای سی: ۵/۶

پلاریزاسیون: افقی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

تلویزیون کانال جدید را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید، به آن کمک مالی کنید!

گردد. فرکانس و مشخصات تلویزیون کانال جدید را به اطلاع دوستان آشنایان خود برسانید. مشخصات برای دریافت کانال جدید:
هات برد ۸، فرکانس: ۱۶۰۴

کانال جدید درهات برد، شبکه KBC از ۱۰ و نیم الی ۱۲ و نیم هر شب به مدت ۲ ساعت برنامه پخش می کند. در حال حاضر کانال جدید در هر دو فرکانس جدید و قدیم پخش می

تجمع بزرگی در راه است. فراخوان کارگران کیان تایر به تجمع در مقابل وزارت صنایع

حزب کمونیست کارگری ایران [ق] قاطعانه از مبارزات برحق کارگران کیان تایر حمایت میکند و از دیگر بخشهای کارگری میخواهد از خواستهای بحق این کارگران کیان تایر پشتیبانی کند و به تجمع آنان در مقابل وزارت صنایع بپیوندد. حضور خانواده های کارگران اقدام مهمی از وسعت دادن به دامنه اعتراضات بحق آنان است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دی ۱۳۸۹، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۱

کارخانجات باشد. شرکت فعال خانواده های کارگری، تماس با کارخانجات همجوار و سازماندهی اعتراضات همزمان بر سر خواستهای فوری کارگران و جلب حمایت بخش های دیگر کارگران گامهای دیگری است که بدون شك کارگران کیان تایر را در موقعیت قویتری برای پیشبرد مبارزاتشان قرار میدهد. امروز میلیونها کارگر و خانواده هایشان با معضل دستمزدهای پرداخت نشده، بیکارسازی، گرانی و فقر و فلاکت روبرو هستند. با مبارزات متحد حول خواستهای سراسری خود و با خواست یک زندگی انسانی، تهاجمات کارفرمایان و حکومت اسلامی شان را عقب بزنیم.

کارگران در طول ماههای گذشته نیز دستمزد معوقه خود را دریافت نکرده اند. تصمیم کارگران به تجمع در مقابل وزارت صنایع، عکس العمل آنها به این وعده های توخالی و پیگیری مطالبات بحق آنان است. دستمزدهای پرداخت نشده یک معضل چند ساله کارگران کیان تایر است. کارگران در اعتراض به این موضوع بارها و بارها تجمع کرده اند و الگوهای خوبی از مبارزه متحد را در مقابل جنبش کارگری گذاشته اند. نقطه قوت کارگران کیان تایر انکاء به مجمع عمومی و تصمیمات جمعی و انتخاب نمایندگان خود و صف متحدشان است. سنتی که میتواند الگویی برای همه کارگران در همه

وزارت صنایع برگزار خواهیم کرد. از همه همکاران درخواست میشود با قدرت تمام در این تجمع شرکت کنند".

بنا بر این گزارش کارگران کیان تایر در طول ۴ ماه گذشته فقط ۵۰ درصد از دستمزد آبان و آذر خود را دریافت کرده اند. همچنین آنها از سالیهای گذشته ۴ ماه دستمزد معوقه علاوه عیدی امسال خود را طلب دارند. وزارت صنایع طی ماههای گذشته و در طول اعتراضات قبلی کارگران کیان تایر به آنها وعده پرداخت وام ۷ میلیارد تومانی به کارخانه جهت پرداخت مطالبات معوقه کارگران را داده بود اما نه تنها این وام پرداخت نشد، بلکه

بنا به خبری که در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران درج شده است، کارگران کیان تایر در اعتراض به عدم تحقق وعده های کارفرمای کارخانه مبنی بر پرداخت دستمزدهایشان از صبح ۱۸ دیماه، دست به اعتصاب زدند و هم اکنون اعتراض آنها ادامه دارد. در ادامه این اعتراضات است که کارگران با نصب پمپهای ای بر روی تابلوی اعلانات کارخانه، فراخوان به تجمعی بزرگ در مقابل وزارت صنایع و معادن داده اند. در فراخوان کارگران کیان تایر آمده است:

"تجمع بزرگی در راه است. روز یکشنبه ۲۶ دی ۸۹ راس ساعت هشت و نیم صبح تجمعی در مقابل

کارگران لوله سازی اهواز، ۲۰ ماه دستمزد نگرفته اند!

بهبود شرایط کاری و معیشتی خود هستند. بدهی صاحبان کارخانه ربطی به کارگران ندارد، کارگران کار کرده اند و دستمزدهایشان را می خواهند.

همانطور که در اطلاعیه قبلی گزارش کردیم، زیر فشار اعتراضات کارگران، بخشی از دستمزد آنان پرداخت شده است و در حال حاضر کارگران رسمی ۱۶ ماه دستمزد و کارگران قراردادی بیشتر از ۲۰ ماه دستمزدهای خود را طلب دارند. تعدادی از کارگران قراردادی نیز طی این مدت اخراج شده اند و به جای آنان کارگران قراردادی با قراردادهای یکماهه استخدام شده اند. کارگران لوله سازی اهواز خواهان پرداخت همه طلبهایشان و تعیین تکلیف وضعیت بازنشستگی خود هستند.

و خانواده هایشان نیست. کارگران خشمگین اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواست خود به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

مسئولین دولتی، طی سال گذشته با وعده واگذاری کارخانه به بخش دولتی و رسیدگی به وضعیت کارگران، مشغول دست به سر کردن آنان بودند، یکبار با وعده فروش سهام کارخانه به بخش خصوصی، بار دیگر با وعده واگذاری به دولت و حالا با بهانه ۲۶ میلیارد تومان بدهی این واحد تولیدی.

مالکیت خصوصی و یا دولتی کارخانه فقط یک بهانه است، فرقی به حال کارگران نمیکند. کارگران دستمزدشان را میخواهند. کارگران خواهان یک زندگی انسانی برای خود و خانواده شان هستند، خواهان

کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت بیست ماه دستمزد خود، روز بیستم دیماه در مقابل ساختمان حراست شرکت لوله سازی دست به تجمع زدند. این چندمین تجمع اعتراضی این کارگران طی همین یکماه اخیر است. کارگران لوله سازی اهواز بارها برای پیگیری خواست خود، به اشکال مختلف طی سال گذشته با برگزاری تجمعهای اعتراضی به وضعیت خود و عدم دریافت دستمزدهایشان اعتراض کرده اند. یکبار خیابان نادری شهر اهواز را با سردادن شعار "زندگی حق مسلم ماست" "یا مرگ یا عدالت" بمدت دوازده دقیقه مسدود کردند، تا افکار عمومی شهر را متوجه وضعیت خود کنند! اما کسی پاسخگوی گرسنه نگهداشتن کارگران

خانواده های کارگری در این اعتراضات پرشور خالی است. باید صدای اعتراض خانواده های کارگری و حقیقت تلخ فقر و فلاکتی که سرمایه داران به کارگران تحمیل کرده اند از هر سو شنیده شود.

حزب کمونیست کارگری با حمایت و پشتیبانی وسیع و همه جانبه از مبارزات کارگران لوله سازی [ق] از مردم شرافتمند و آزادیخواه شهر اهواز می خواهد که از هر طریق ممکن از مبارزات کارگران لوله سازی اهواز حمایت کنند. دستمزد و همه مطالبات کارگران باید تمام و کمال پرداخته شود! زندگی شایسته و انسانی حق مسلم همه کارگران و همه مردم است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ دی ۱۳۸۹، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

مدیریت شرکت مرتب با وعده و وعید کارگران را سر میدواند. اعتراضات کارگران لوله سازی اهواز ادامه دارد.

مبارزه کارگران لوله سازی به مدد تلاشها و اعتراضات وسیع و گسترده ای که طی مدت های طولانی داشته اند [ق] برای مردم اهواز شناخته شده است. این تلاش آگاهانه و مراجعه به افکار عمومی جامعه [ق] بخش بزرگی از پیشروی کارگران لوله سازی است. این نقطه قدرت بزرگی برای ادامه مبارزه و پافشاری برای کسب حقوق از دست رفته و پایمال شده این کارگران است. همستگی و اتحاد کارگران لوله سازی سبب میشود که آنها با قدرت در مقابل حراست کارخانه که دستگاه سرکوب صاحبان کارخانه و دولت حامی آنهاست، بایستند و خواهان مطالبات برحقشان شوند. جای

را جلب کرد.

اعتصاب کارگران نسوز ذوب آهن وارد دوازدهمین روز خود شد

خواست این کارگران خواست هجده هزار کارگر ذوب آهن اصفهان است

پیوستن آنها به این حرکت و مبارزه ای همزمان در کل مجتمع بر سر این خواستها، میتواند نقطه عطفی در اعتراضات این کارگران و تحمیل خواستهایشان بر کارفرمایان باشد. باید تمام این نیرو را بکار گرفت. باید خبر این اعتراض را در سطح کل مجتمع ذوب آهن و شهر اصفهان منتشر کرد و وسیعترین حمایت ها

مرآت فولاد بر سر همین خواست اعتراض و مبارزه داشتند. سطح نازل دستمزدها، استخدام های قرارداد موقت و پیمانی و اخراجها معضل ۱۸۰۰۰ کارگر در این مجتمع است. باید وسیعا از این اعتراض حمایت کرد، حمایت بخش های دیگر مجتمع ذوب آهن اصفهان از خواست و اعتراض کارگران نسوز آذران،

امروز ۲۲ دیماه دوازدهمین روز اعتصاب کارگران نسوز آذران در ذوب آهن اصفهان است. این کارگران خواهان خارج شدن از حالت کار پیمانی و قرارداد مستقیم با ذوب آهن هستند. در این کارخانه بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال داشته و آجر نسوز تولید میکنند. قبلا نیز کارگران پیمانی تابان نیرو و

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ۱۳۸۹، ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در کابل



شهلا دانشفر

مردم هستند. در این حرکت اعتراضی تظاهر کنندگان در حالیکه علیه سران حکومت اسلامی شعار میدادند عکس‌های آنها را به آتش کشیدند. و به در سفارت جمهوری اسلامی تخم مرغ پرتاب کردند و رنگ پاشیدند.

سی و یکسال است که جمهوری اسلامی سیاست کاملاً فاشیستی ای را علیه مهاجران افغان دنبال میکند. بر اساس این سیاست مهاجران افغان در سخت‌ترین شرایط به کار اشتغال دارند و در عین حال همیشه از سوی پلیس جمهوری اسلامی در تعقیب و در خطر اخراج قرار دارند. تحت این فشار بسیاری از خانواده‌های مهاجران افغان نتوانسته‌اند فرزندان‌شان را به مدرسه و تحصیل بفرستند. جمهوری اسلامی برای اخراج مهاجران افغان به اشکال جنایتکارانه‌ای عمل کرده و به منازل آنها حمله برده است. منازل آنها را به آتش کشیده است. در محیط‌های کار حمله برده و بدون اینکه به آنها حتی فرصت تسویه حساب در برابر کاری که انجام دهند، داده شود، آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و به بازداشتگاه‌های اجباری انتقال داده است. بسیاری از مهاجران افغان تحت بهانه‌های واهی زندانی شده و اعدام شده‌اند. از جمله در تصاویری که اخیراً در تلویزیون

افغانستان پخش شده، نشان داده است که شماری از افغان‌ها که از ایران اخراج و راهی مرز شده‌اند، در مرز ایران کشته و یا زخمی شده‌اند و نیروهای مرزی ایران آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند. این تصاویر بیش از پیش موجب خشم و نفرت مردم افغانستان و تظاهرات روز ۲۳ دی بوده است. ابعاد جنایات جمهوری اسلامی در قبال مهاجران افغان انعکاس همه جانبه‌ای هنوز پیدا نکرده است. جنایاتی که بعضاً در مقابل چشم سازمان ملل و توافق‌های جهانی در منطقه صورت گرفته است. از اینرو مردم افغانستان، بویژه بخش زحمتکش و کارگران این کشور، هیچگاه جنایات این رژیم را از یاد نمی‌برند و از هر فرصتی برای بلند کردن صدای اعتراضشان در قبال حکومت ایران استفاده میکنند. از جمله در اردیبهشت سال گذشته هنگامیکه فرزند کمانگر بهمراه ۴ زندانی سیاسی دیگر، اعدام شدند، شاهد تظاهرات با شکوهی در دو شهر جلال‌آباد و هرات در افغانستان بودیم. تظاهراتی که مردم شعار میدادند، مرگ بر دیکتاتور چه در ایران، چه در کابل و عکس‌های فرزند کمانگر و ۴ اعدامی همراه او را با خود حمل میکردند. و آزادی را فریاد میزدند.*

زندگی انسانی حق مسلم ماست

شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ نوامبر ۲۰۱۰ - ۵ آبان ۱۳۸۹

برابر زندگی کنیم. جامعه‌ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه‌ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه‌ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه

بیانیه دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام را امضا کنید

گرفته است.

خواست‌های زیر بخشی از خواستهای مخالفین جمهوری اسلامی است. ما همگان را، افراد، احزاب و نهادها و سازمانهای مختلف را، به حمایت از این خواست‌ها و مبارزه متحد حول این خواست‌ها فرامیخوانیم. همبستگی قابل توجهی که در روزهای اخیر در خارج کشور بوجود آمده است، با داشتن اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی، و بخشی از مبارزه برای عقب راندن حکومت جنایتکار اسلامی است.

همگان دعوت میکنیم این بیانیه را امضا کنید، دوستان خود را به امضای آن تشویق کنید، آنرا در سایت و بلاگ خود بگذارید و به هر طریق که میتوانید به گسترش آن یاری رسانید:

تا کنون بیش از ۱۴۰۰ نفر از ایران و از سراسر جهان، متن بیانیه‌ای را با خواست لغو مجازات و احکام اعدام، آزادی‌های سیاسی و عقیدتی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و ازوای سیاسی دیپلماتیک جمهوری اسلامی، امضا کرده‌اند و با نوشتن متن کوتاهی از جارج خود را از جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند. این اقدام بخشی از مبارزه علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی، و بخشی از مبارزه برای عقب راندن حکومت جنایتکار اسلامی است.

همگان دعوت میکنیم این بیانیه را امضا کنید، دوستان خود را به امضای آن تشویق کنید، آنرا در سایت و بلاگ خود بگذارید و به هر طریق که میتوانید به گسترش آن یاری رسانید:

<http://stopstonningnow.com/united/unite600.php?ni=22774802&lang=fa>
کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۲ ژانویه ۲۰۱۱، ۲۲ دیماه ۱۳۸۹

متن بیانیه:

متحد و یکپارچه در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام بپاییزیم
جمهوری اسلامی برای مقابله با وضعیت انفجاری که در میان مردم شکل گرفته است و از ترس گسترش اعتراضات مردم، دست به اعدامهای بیشتر زده و هرروز احکام اعدام جدیدی علیه زندانیان سیاسی صادر میکند تا به خیال خود مردم را به تسلیم بکشاند. فضای اعتراضی در سنج و در سطح بین المللی مانع اجرای حکم اعدام جیب لطفی شد اما جمهوری اسلامی بلافاصله علی صارمی و علی اکبر سیادت را اعدام کرد. در مقابل این جنایات، خشم و نفرت عمیقی میلیونها نفر را فراگرفته و فضای متحدانه‌ای برای اعتراض شکل

۱- ما اعدام‌های اخیر و صدور احکام اعدام توسط جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکنیم و تنها راه مقابله با رژیم اعدام و سرکوب را گسترش اعتراض در ایران و در سطح بین المللی میدانیم. اعدام عملی جنایتکارانه و ضدانسانی است و باید تماماً ملغی شود.

۲- کلیه احکام اعدام باید فوراً ملغی شود.

۳- تمامی زندانیان سیاسی، اعم از فعالین دانشجویی، فعالین کارگری، مدافعین حقوق زنان و یا کسانی که به جرم عقیده و اعتراض و یا به جرم اعتقادات مذهبی و یا عدم اعتقاد به مذهب در زندان به سر می‌برند، بدون قید و شرط و فوراً باید از زندان‌های جمهوری اسلامی آزاد شوند. آزادی بیان و عقیده حق مسلم همه مردم است.

۴- از همه دولت‌ها میخواهیم جمهوری اسلامی را بخاطر این جنایات محکوم کنند و روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با آن قطع کنند. ما هنر و همکاری و مماشات با جمهوری اسلامی و سکوت در مقابل این جنایات را شدیداً محکوم میکنیم

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام‌ها هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

دوقتل تکان دهنده و پرونده ای که بسته نمیشود!
دوست پسر و هم پرونده ای دلارا دارابی در زندان خودکشی کرد!
مینا احدی



دلارا دارابی را در ایران و در دنیا میلیونها نفر می شناسند. دختر جوان و حساسی که اگر از بد روزگار در ایران تحت حاکمیت جلالان اسلامی متولد نمیشد، میتوانست یک هنرمند برجسته در یک کشور دیگر باشد. میتوانست یک دختر معمولی باشد با شادی و شور و از زندگی لذت ببرد. دلارا میتوانست نفس بکشد، عشق بورزد و فعالیت هنری کند... اما امروز او در مزارش در قلب رشت، آرمیده است و زندگی کوتاهش، یک آئینه تمام عیار از وجود جنایتکارانی است که از گور تاریخ برخاسته و عشق و آزادی و شادی و جوانی و زندگی و دلارا ها را نشانه گرفته اند.

دلارا اول ماه مه، ۲۰۱۰ وحشیانه و سبعانه توسط جلالان حاکم بر ایران اعدام شد. او که فقط ۲۰ سال داشت و جثه ای بسیار کوچک، باورش نمیشد که مشتی جانی و کثافت اسلامی، با سنگلی او را پای چوبه دار ببرند و طناب را واقعا به گردنش ببندازند. در آخرین لحظات به پدرش زنگ زده و گفته بود، بیا منو از اینجا ببر، اینجا میخوانند مرا بکشند و پدرش از آنسوی خط، با صدایی لرزان و وحشت زده گفته بود، نترس شجاع باش آنها فقط ترا میترسانند و دلارا جواب داده بود ولی بابا من طناب دار را می بینم و این آخرین مکالمه او با پدرش بود. وقتی پدر و مادر رنج دیده به در زندان رشت رسیدند، آمبولانس جسد دلارا را به سردخانه میبرد.... و این حکومت اسلامی ایران است...

عکس العمل به حکم اعدام دلارا دختری که از ۱۷ سالگی اسیر حکومت اسلامی شده بود، یک جنبش وسیع در ایران و در دنیا بود. هزاران نفر به این حکم اعتراض کردند. دهها میتینگ در طول چندین ماه در دنیا جریان یافت. اسم و عکس دلارا در دنیا جهانی شد و نقاشی های او همه جا توزیع شد و

بعدها حکومت اسلامی دلارای ۱۷ ساله را به اعدام محکوم کرد. و وقتی دلارا همین واقعیت را گفت که برای نجات جان دوستش، این قتل را به عهده گرفته و هنگامی که وکلای پرونده در مورد ابهامات فراوان در مورد پرونده حرف زدند، حکومت ابتدا وقعی به این مسائل ننهاد و بر اعدام دلارا اصرار ورزید. دلارا به اعدام محکوم شد و چندین سال اعتراض و ابراز انزجار از سازمان دادن يك قتل خونسردانه از سوی حکومت، به اسم دفاع از حق مقتول و یا دفاع از امنیت جامعه! حکومت را به چالش های بزرگی کشاند. دنیا به این حکم اعتراض کرد، عکس دلارا به سمبل اعتراض به حکم اعدام کودکان و نوجوانان در ایران تبدیل شد. تظاهرات متعددی و اعتراضات گسترده، حکومت را وادار کرد چندین سال اجرای حکم را به تعویق اندازد. در نهایت جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از خود، دلارای جوان را قربانی کرد.

امیرحسین ستوده هم پرونده ای دلارا بود و به اتهام همکاری در قتل به ده سال زندان محکوم شد. دو روز پیش گفته شد که امیر حسین خودکشی کرده است. خبرها حکایت از این دارد که او که در نهایت اذیت و آزار فراوان بود، در نهایت نتوانست این اوضاع را تحمل کند و روز ۱۲ ژانویه در زندان خودکشی کرد. طبق اخباری که منتشر شد، به او در زندان و بعد از خودکشی اش نیز توجهی نشد و تلاشی برای نجات او انجام نگرفت و در نهایت امیرحسین نیز جان باخت.

این داستان زندگی جوانانی در ایران و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است که اگر هم مرتکب جرمی شوند، چیزی که ارزش ندارد باز گرداندن آنها به جامعه و بررسی علل و زمینه های این جرایم است. در ایران مشتی آخوند و سرمایه دار جلال سیری ناپذیر بر سر کار هستند که شغل اشان کشتن انسانها و چاپیدن و چپاول است. جمهوری اسلامی ایران عملا دو جوان را کشت و پرونده را به قول خودش مختومه اعلام کرد. اما این پرونده فراز و نشیب های زندگی این دو جوان و بویژه رفتار جنایتکارانه حکومت اسلامی علیه این دو نفر در

گزارشی از تظاهرات امروز در برلین، ۹ ژانویه ۲۰۱۱

فرزانه درخشان



در برلین هر سال اوایل ژانویه تظاهراتی به فراخوان گروه های چپ و کمونیست به یادبود دو کمونیست برجسته اوایل قرن، روزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنشت، که در ۱۵ ژانویه سال ۱۹۱۹ توسط دولت آلمان تیرباران شدند، برگزار میشود. امسال روز یکشنبه ۹ ژانویه این تظاهرات برپا شد و فعالین حزب کمونیست کارگری نیز فعالانه در آن شرکت داشتند. بانرهایی با عکسهای روزا لوگزامبورگ و لیبکنشت، با شعارهایی چون مردم اروپا یکپارچه شوید، خارج شدن ارتش از افغانستان،... توسط تظاهرات کنندگان حمل میشد. شعاری که زیاد تکرار میشد، بر قرار باد همبستگی انترناسیونال، بود. ما با عکسهایی از زندانیان سیاسی، کارگران زندانی در ایران،



زندانهایش، در بیدادگاههای اسلامیش، و رفتار بیرحمانه با خانواده و بستگان این افراد را باید بعد از سرنگونی این حکومت بررسی کرد، تا تاریخ از رفتار فاشیسم

اسلامی درس عبرت بگیرد. این پرونده تا سرنگونی حکومت جنایتکاران اسلامی باز خواهد ماند.*

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!